

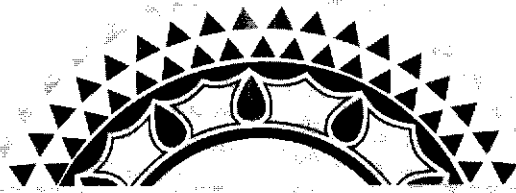


کادرم انسانی و سلامت و رفاه  
جامع علوم انسانی



# مصاحبه اختصاصی سپار ادیان با هانس کونگ

مصاحبه و تدوین: باقر طالبی دارابی



دارد و نظریه اخلاق جهانی آتش گلچینی از اخلاق عملی همه ادیان است که ابعاد کاربردی ترش را در کتابی با نام اخلاق جهانی برای سیاست و اقتصاد جهانی می توان مشاهده کرد.

از ویژگی های علمی هانس کونگ، بررسی پارادایمی تاریخ ادیان است که در کتاب مسیحیت وی به کار بسته شده و اسلام را نیز به همین روش تحلیل و در قالب کتابی به جهان تحقیق و پژوهش عرضه کرده است.

پارلمان ادیان جهان در بارسلونای اسپانیا در تابستان ۱۳۸۳ (جولای ۲۰۰۴) فرصتی را فراهم آورد که در یکی از جلسات علمی که وی نیز حضور داشت، شرکت کنیم. در پایان آن نشست، متواضعانه و بدون تکلف دعوتمان را برای یک گفت و گو پذیرفت. پس از آنکه همه حاضران سالن را ترک کردند، گوشه ای از آن را که تا چند لحظه پیش دهها نفر برای گوش دادن به او گردهم آمده بودند، برگزید و با لبخندی بر لب و احترامی خاص به ایران و ایرانیان با ما به گفت و گو نشست. شگفت اینکه ما آمده بودیم وقتی بگرییم و بعد با پرسش هایی آماده به گفت و گو با وی بردازیم، اما اینک بدون آمادگی قبلی کنار او نشستیم. پس باید به خاطر همان تعداد نامعلوم هموطنانی که مخاطب اخبار ادیان هستند و به مباحثی که امثال کونگ مطرح می کنند علاقه مندند، این فرصت را غنیمت شماریم. پس بسم الله می گوئیم و با اظهار اینکه نه خبرنگاریم و نه از پیش پرسش هایی آماده داریم و اصولاً رشته پژوهشی مان چیز دیگری است، می پرسیم:

نظر شما درباره گفت و گوی میان ادیان در جهان امروز چیست؟  
جهان امروز به طور کلی؟

بله. تحولات جدید ناشی از کارکردهای دولت بوش در آمریکا از یک سو، القاعده از سوی دیگر، حادثه یازدهم سپتامبر و مسائلی از این دست، همگی بر رابطه میان اسلام و دنیای غرب تأثیر منفی گذاشته اند. خوشبختانه ایران دخالتی در این امور نداشت. همیشه برای مردم از دو سفرم به ایران و حادثه ای که طی آنها اتفاق افتاد، گفته ام. در سفری که به اصفهان داشتم، حدود ساعت ۱۱ صبح در میدان بزرگ این شهر که میدان امام نام داشت، بودم. صدای انفجاری مهیب به گوش رسید که ناشی از بمباران این شهر توسط صدام بود.

این بمباران بسیار هولناک بود. از اینکه اوضاع

تغییر کرده و ایران دیگر در معرض چنین حوادثی قرار ندارد، بسیار خرسند هستیم- نقل این حادثه در واقع بخشی از پاسخ من است. از طرفی نیز در شرایط بسیار بحرانی تر جهان امروز رئیس جمهوری شما [جناب آقای خاتمی] در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ایالت متحده آمریکا، نظریه گفت و گوی تمدن ها را مطرح کرد. در آن نشست پس از آنکه او به عنوان اولین نفر و من آخرین نفر سخن گفتیم، هر دو از نزدیک شاهد استقبال نمایندگان دیگر کشورها از این نظریه بودیم و امروز هیأت های گوناگونی برای گفت و گو تشکیل می شود.

نظیر این اتفاق پیش از این رخ نمی داد. امروزه همه از ضرورت گفت و گوی تمدن ها و ادیان آگاهند. من امیدوارم که شرایط از این نیز بهتر شود، زیرا حتی آنها که در آمریکا زندگی می کنند پس از آن حادثه دچار هیستری امنیتی شده اند که البته بر این مشکل فائق خواهند آمد، چنانکه از سوی دیگر مکار تیسسم (۱) کنونی نیز پایان خواهد یافت.

با این همه امیدوارم انتخابات آینده در آمریکا در تغییر مثبت اوضاع و احوال این کشور نقش زیادی ایفا کند؛ هم آن هیستری امنیتی ملت برداشته شود و هم مکار تیسسم دولتیان و حاکمیت. البته هم دنیای غرب و هم جهان اسلام باید در این راستا تلاش کنند و برای رسیدن به این مقصود تلاشی توأمان و مشترک لازم است. نقش مؤسساتی مانند مؤسسه اخلاق جهانی یا مؤسسه گفت و گوی ادیان و نهادهایی از این دست را در این میان چگونه می بینید؟ این مؤسسات چگونه می توانند در جهت بهبود این روند با یکدیگر همکاری داشته باشند؟

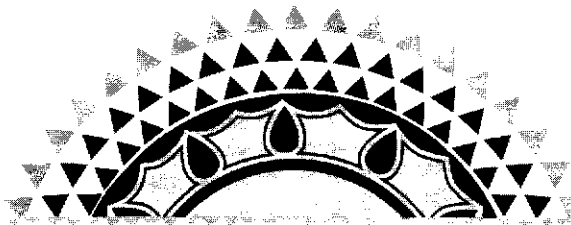
چند سالی است که مشغول نوشتن کتابی در زمینه اسلام هستیم. در این کتاب برای نخستین بار به تحلیل پارادایمی اسلام پرداخته ام. پارادایم ها از مصالحه جویی های بزرگ، جامعه نخستین و خلفای نخستین تا امپراتوری عربی با حاکمیت بنی امیه که چهره کاملاً متفاوتی از اسلام بود، تغییر می کند و پس از آن پارادایم انقلاب و حاکمیت بنی عباس است و نفوذ بسیار زیاد ایران (پارس) در خلافت بغداد. انتقال خلافت از دمشق به بغداد نیز در همین پارادایم صورت گرفت. پارادایم چهارم، پس از فروپاشی این- پارادایم سوم- است.

بغداد به دست مغول ها سقوط می کند و حمله آنان به ایران و عراق رخ می دهد. به عقیده من این تغییر یک نقطه عطف بود و پارادایم های

اشاره :

هانس کونگ متفکر مسیحی آلمانی است که همبای پیشینه دانشگاهی اش، در امور اجرایی به عنوان مشاور اسمی پاپ یوهانس بیست و سوم فعال بوده است. در هر دو قلمرو، فردی نوآور، خلاق و صریح بود و از همین رو، با وجود بر خور داری از جایگاه علمی و نیز تأثیر گذاری بسیار در تشکیل شورای واتیکان دوم، کلیسای کاتولیک او را به دلیل انتشار کتابی با عنوان معصوم (Infallible) از منصب کلیسایی کنار نهاد. تاوان سخن گفتن از معصوم نبودن پاپ گر چه به ظاهر بر کناری بود، به واقع فرصتی برایش فراهم آورد که ضمن تألیف و تدوین حدود ۴۰ کتاب و ده ها مقاله، با دلمشغولی خاص به مسأله گفت و گو و همزیستی ادیان، مؤسسه اخلاق جهانی را نیز بنیاد نهاد که البته نظریه اخلاق جهانی وی پشتوانه نظری آن است.

هانس کونگ کاتولیکی مدرن است که در نوشته ها، گفته ها و کارهایش دلمشغولی خاصی به جمع میان سنت و مدرنیته نمایان است. چالش مسیحی، کلیسای زنده و چرا کشیشان سه اثر وی است که در آنها به بررسی و نقد دینی که به آن باور دارد، می پردازد و در این میان در کتابی با نام چرا هنوز مسیحی هستیم؟، گویی پاسخ کسانی را می دهد که حتی او را کاتولیک نمی دانند! در کتابی دیگر مسیحیت و ادیان جهان را مقایسه و بررسی می کند و نشان می دهد که به دیگر ادیان توجه



بعدی دیگر خلیفه‌ای نبود، بلکه عالمان دینی و صوفی‌ها مطرح شدند. در واقع این پارادایم، پارادایم صوفی یا علمایی-صوفی است و در این زمان است که اسلام با نوگرایی و تجدد اروپایی مواجه شد. در آغاز، مسلمانان از خطری که آنان را تهدید می‌کرد آگاه نبودند، ولی در قرن نوزدهم به اهمیت آن پی بردند و از مصر آغاز کردند. در حقیقت اولین فردی که به این امر توجه نشان داد، خان (۲) در هند بود و در ایران نیز معدودی به این مهم پرداختند. این پارادایم پنجم و تجددگرایی است. در شرایط دشواری به سر می‌بریم، زیرا دنیا به شوه‌های مختلف به سمت پارادایم تجددگرایی گام برمی‌دارد، درحالی که اسلام هنوز با مدرنیته مشکل دارد.

### اسلام با این پدیده مشکل دارد یا متفکران اسلامی؟

نه، به نظر من اسلام است که نمی‌تواند با این امر کنار بیاید. وضعیت اسلام مانند کلیسای کاتولیک رومی در زمان پیش از شورای واتیکان دوم است. کلیسای کاتولیک رومی نیز در آن زمان اصلاح دینی را برنمی‌تابید و عصر روشنگری نداشت، به همین دلیل در شورای واتیکان دوم کلیسای کاتولیک روم مجبور شد به مطالبات موجه نهضت اصلاح دین تن دهد و از این رهگذر در آداب نیایش مذهبی (لیترجی) و دعا‌های عمومی دست برد و کاربرد زبان محلی و رایج را در عبادات بپذیرد.

اهمیت کتاب مقدس، ارج نهادن به زنان و توجه به دیگر ملتها همه و همه مطالبات عمده و مورد توجه مارتین لوتر، کالون و دیگر اصلاح‌طلبان بود. شورای واتیکان دوم ناچار شد به نظریات و خواسته‌های نهضت روشنگری، آزادی دین، آزادی عقیده، آزادی اجتماعات و حقوق بشر به‌طور کلی، با دید تازه‌ای بنگرد و موضع‌گیری جدیدی نسبت به یهودیان، اسلام و دیگر ادیان، جوامع و علوم سکولار اتخاذ کند. سپس به هر آنچه مدرنیته را شکل می‌دهد، نگاه و موضعی تازه گرفت. با وجود این، کلیسای کاتولیک نتوانست همه‌چیز را بپذیرد و در خود حل کند. این نوعی عدول و پا پس کشیدن بود، در حقیقت کلیسای کاتولیک رومی اصلاح دینی را پذیرفت، اما روشنگری را دوست نداشت.

به‌رغم این تغییرات در کلیسای کاتولیک روم هنوز این کلیسا با مشکلاتی روبه‌رو است. من و پاپ در خیلی مسائل اتفاق نظر نداریم، فقط در مورد جنگ عراق هم عقیده‌ایم و هر دو با آن که تهدیدی مشترک برای صلح محسوب می‌شد،

مخالفت کردیم. اگرچه به نظر من پاپ با اینکه نظر مثبتی به صلح دارد، در این مورد فقط در قلمرو سیاست خارجی‌اش صحبت می‌کند. در سیاست داخلی [جهان مسیحیت] اصلاً صلح‌جو نیست! اسلام امروزه با چنین چالشی روبه‌روست؛ چالش‌هایی که از مواجهه با بازتاب‌های آن‌گریزی نیست. به نظر من باید قرآن را با توجه به قرن ۲۱ بررسی کنید و پیامش را برای قرن ۲۱ دریابید، چون شما دیگر در قرن ۷ یا ۱۱ زندگی نمی‌کنید.

شما در قرن ۲۱ هستید. به یاد می‌آورم می‌حشی را که در انجمن حکمت و فلسفه [ایران] درباره زنان داشتیم، در آنجا از آنان در مورد سوره چهارم (نسا) و زنانی که باید کتک بخورند (۳) پرسیدم و از اینکه چگونه تعارض میان حقیقت وحیانی و حقیقت عقلی را حل می‌کنند؛ چراکه حقوق بشر و حقوق زنان در عمل، تجسم عقل دوران تجدد است. پس از یک بحث طولانی به زبان فارسی که البته من نمی‌فهمیدم، کسی که پاسخ می‌داد گفت در مواردی اینچنین باید به وحی مراجعه کرد و دید که درست فهمیدیم یا خیر.

به نظر من پاسخ خوبی بود و باید هم همین کار بشود. نمی‌توانید به این بسنده کنید که این مسأله به مشکل روزآمدی و انطباق برمی‌گردد که مردم گاهی به آن فکر می‌کنند. خیر این‌گونه نیست، بلکه یک مشکل بنیادی پیش روی اسلام است و به میانی اسلام و قرآن بازمی‌گردد و به اینکه چگونه باید مسأله کلی هرمنوتیک (تفسیر متون مقدس) اسلام را فهمید.

ما در کتاب مقدس نیز با هرمنوتیک رو به تکامل مواجه هستیم که در آغاز دشوار می‌نمود، اما امروزه با آن کنار آمدیم و به نظر من راه حل را یافتیم. راه‌حل این است که به معنای متون مقدس نظر کنیم، نه فقط به ظاهر لغات و الفاظ، ببینیم روح متن چیست؟ پیام اصلی چیست؟ و پرسش‌هایی از این دست مطرح کنیم. همه این کارها به نظر من خوب و خیر است. این بخشی از مسأله است. مقصودم مسأله اصلاح دینی است که شما در گذشته نیز نمونه‌هایی داشته‌اید؛ ایرانیانی مانند جمال‌الدین افغانی به این امر پرداخته بودند، اقبال و دیگران نیز به آن توجه کرده‌اند.

### شریعتی چطور؟

او هم همین‌گونه بود. من فکر می‌کنم همه آنها ضرورت تأمل دوباره در اسلام را درک کرده بودند و قلمرو ثانوی البته تأمل و پرداختن به تجددگرایی و پساتجددگرایی است. گام نهادن در این راه اینک برای اسلام خیلی آسان‌تر است، چون ما در غرب و در مسیحیت بیش از این به

مدرنیته مظنون بودیم و با دیده تردید به آن نگاه می‌کردیم. مثلاً شکی نیست که مدرنیته سبب پیشرفت است، ولی ما شاهد بودیم که این پیشرفت جوانب دیگری نیز داشت. عواقب و آثار تکنولوژیک داشت و درست است که همه برآمده از عقل ما بود، اما دیدیم که عقل تنها نیز موجب ایجاد بی‌معنایی‌ها و پوچی‌هایی شد، نظام‌های غیربشری به‌وجود آورد و ما را در خدمت اقتصاد از نوع مدرنش قرار داد، ولی بدون اکتولوژی.

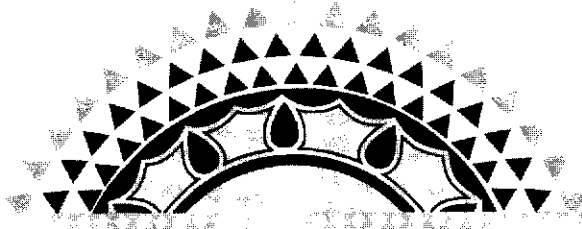
و در اینجا نیز شما و حتی ما در دنیای غرب با بازگشت به دین مواجه هستیم. از این رو، فکر می‌کنیم اسلام می‌تواند مدرنیته را در خود جای دهد؛ مدرنیته‌ای بدون آن کاستی‌ها و تأثیرات منفی. چراکه شما تجربه ما در غرب را پیش روی خود دارید و می‌توانید از تکرار خطاهایی که ما مرتکب شده‌ایم، بپرهیزید.

**پس به عنوان یک متفکر، نویسنده و شخصیت برجسته مسیحی معتقدید اسلام می‌تواند به خوبی با تجددطلبی دینی کنار آید، حال به عنوان کسی که از بیرون بر اسلام نظر می‌کند، فکر می‌کنید اسلام چگونه می‌تواند این مسأله را حل کند؟**

همیشه بر این اعتقاد بودم که اگر کلیسای کاتولیک با حدود یک میلیارد طرفدار توانست تغییر کند، اسلام هم باید قادر به انجام این کار باشد. البته در کلیسای کاتولیک، شورای جهانی مسیحی (Ecumenical council) وجود دارد که البته بسیار قدرتمند است و می‌تواند در لیترجی (آداب نیایش مذهبی) تغییراتی ایجاد کند؛ چنانکه ایجاد کرد. بسیاری از این تغییرات به روش هیأتی و به تعبیر شما شورایی بود و به نظر من اسلام فاقد چنین شورایی است. شما پاپ نیز ندارید و این خود امتیاز بزرگی است، چراکه اگر بخواهید، می‌توانید اصلاحاتی در ایران انجام دهید، بدون اینکه محتاج کسب اجازه از مثلاً الازهر یا فردی معین باشید.

**ولی در شیعه نیز مراجع تقلید و عالمان بزرگ دینی هستند و شما آگاهید که اصلاحات باید زیر نظر آنها صورت گیرد.**

بله، این در واقع مسأله‌ای است که شیعه با آن مواجه است. به نظر من باید توجه داشته باشید که قرار گرفتن قدرت در اختیار یک فرد در واقع خاستگاهی در ریشه و آغاز ندارد. اگر کتاب مقدس را مطالعه کنید، هرگز فردی را نمی‌یابید که تمام امور را در اختیار داشته باشد و مدیریت کند. تصور نمی‌کنم در قرآن نیز از کسی که اداره همه



### پی نوشت:

- ۱- مکارتنیس: شیوه‌ای است که از نام جوزف مکارتنی سناتور ویسکانسین (دوره فعالیتش دهه ۱۹۵۰) گرفته شده و مبتنی بر متهم کردن افراد، بی هیچ مدرکی یا با اندک مدرکی، به عضویت در گروهی که جامعه پیش از این آن را نفی کرده است و در نتیجه تلاش برای ایجاد پیشداوری علیه متهم از طریق وابسته جلوه دادن شخص او و خانواده و دوستانش به چنین گروه مطرودی و محروم کردن آن فرد از اشتغال، حقوق مدنی و مانند آن براساس پیشداوری زمینه‌سازی شده. (فرهنگ اندیشه نو، جمع مترجمان، ویراستار ۴. پاشایی، انتشارات مازیار، تهران، ۱۳۶۹).
- ۲- منظور سید احمد خان مشهور به سر سید احمدخان است که در سال ۱۲۳۳ قمری (۱۸۱۷ میلادی در دهلی زاده شده. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به کتاب پیشگامان مسلمان تجددگرایی در عصر جدید، اثر احمد امین، ترجمه حسن یوسفی اشکوری، صص ۱۲۷-۱۰۷.
- ۳- به آیه ۳۴ سوره نسا اشاره دارد که در آن از جواز زدن زن سخن گفته شده است. پیرامون این آیه تفسیرهای مختلفی وجود دارد.
- ۴- ژاکوبیسم (Jacobinism) جنبشی تندرو در جریان انقلاب فرانسه همراه با "بسیئر" و اعضای باشگاه ژاکوبین. وجه مشخص آن تصمیم به ادامه انقلاب، به هر قیمتی که باشد و تن ندادن به سازشکاری است. در اصطلاح در معنای وسیع‌تر برای توصیف گرایش‌های مشابه در جنبش‌های انقلابی بعدی نیز به کار برده می‌شود. تحقیر خواست اکثریت، دیکتاتوری یک اقلیت مصمم انقلابی و کمیته‌های امنیت عمومی به عنوان مؤسسات جنبشی اعمال رعب، برخی سیمای تاریخی ژاکوبیسم است. بنیاد آن این اندیشه بود که توده‌ها آن قدر که باید روشن نیستند که انقلاب را به انجام رسانند. "توده ناپیانی که غالباً نمی‌داند چه می‌خواهد، چون به‌ندرت می‌داند چه چیزی برایش خوب است، چگونه ممکن است چنین وظیفه بزرگ و دشواری مثل نظام قانونگذاری را به عهده گیرد؟ پس ضروری است که کمتر به جمع‌آوری آرای ملت توجه شود و باید کاری کرد که برترین اقتدار به‌کمترین صورت مستعدانه آن به دست انقلابی‌های خردمند و نیرومند بیفتد." (بوئونا روتی). این فکر را افراطی‌های انقلابی قرن‌های نوزدهم و بیستم از بلانکی (آخرین ژاکوبین و اولین کمونیست) گرفته و از طریق نجایف ... تا لنین بارها آن را بیان (و دنبال) کرده‌اند. مقایسه ژاکوبین‌ها و بلشویک‌ها از یک طرف و آپروندی‌ها (ژیروندن‌ها) و منشویک‌ها از طرف دیگر از همان آغاز مطرح بود. خود لنین بارها با غرور پیروانش را "ژاکوبین‌های وابسته به طبقه کارگر" می‌خواند. (فرهنگ اندیشه نو).

تلاش می‌کند از درون سخن بگوید و سعی وافری برای درک همه‌چیز داشته باشد. البته من آدم نقادی هستم، چون یک محققم، اما این نقادی فقط درباره اسلام نیست، به وضع خودمان (مسیحیان) نیز انتقاد دارم. در واقع موضوع اصلی کتاب من صرفاً تحلیل پارادایم‌ها نیست، بلکه پرداختن به امری است که من آن را "سه رویکرد جانبی" می‌خوانم.

سه رویکرد جانبی یعنی رویکرد مربوط به حقوق بشر، زنان و مسأله دین و دولت. من همیشه پیش از هر چیز می‌پرسم که تاریخ یهودیت چگونه بوده است، چگونه یهودیت و همه این امور تغییر یافت؟ چون یهودیت نیز مانند مسیحیت پارادایم‌های گوناگونی داشت و وضعیت این هر دو دین در پارادایم‌های مختلف اغلب بسیار متفاوت و گاه مشابه وضعیت اسلام بود و خواهید دید که به لحاظ مختلف شما اولین کسانی نیستید که با این مسائل روبه‌رو می‌شوید. یهودیان و مسیحیان پیش از این با همه این مسائل روبه‌رو بودند و بی‌شک می‌توانند برای فائق آمدن بر آنها کمک خوبی باشند. من مانند بسیاری از غربیان نیستم که وقتی به اینجا رسیدیم به شما می‌گویند باید این کار را الان انجام دهید، آن کار را انجام ندهید و... من به صراحت می‌گویم ما نیز با چنین مسائلی درگیر بوده‌ایم، از جمله مسأله زنان در کلیسای کاتولیک و مسائل و مشکلات دیگر که تلاش کردیم و به راه‌حل‌هایی مناسب و نهایی رسیدیم، اما باید دید شما چه می‌کنید و چه اقدامی صورت می‌دهید؟

از اینکه وقت خود را در اختیار ما گذاشتید، سپاسگزاریم و برای شما آرزوی موفقیت داریم. من نیز به نوبه خود از شما تشکر و برای دوستانم در ایران آرزوی خیر می‌کنم.

**امید که این آشنایی، مقدمه تماس بیشتر با شما و مؤسسه شما باشد.**

به محض اینکه ترجمه انگلیسی کتابم درباره اسلام آماده شود، برایتان می‌فرستم. در عین حال چندان مطمئن نیستم که در مؤسسه‌تان کسی را داشته باشید که مسلط به زبان آلمانی باشد و بتوانم نسخه آلمانی آن را برای ترجمه در اختیارتان بگذارم.

**البته در مؤسسه گفت و گوی ادیان، مترجم زبان آلمانی داریم.**

چه خوب، پس می‌توان به ترجمه این کتاب به زبان فارسی توسط شما امیدوار بود.

**امیدواریم و ممنون.**

امور به دست او باشد، سخنی به میان آمده باشد. پس باید در این باره جدی‌تر بیندیشید و اگر این تصور من درباره قرآن درست باشد، پس مسلمانان محدودیتی ندارند و باید آزادانه بکوشند تا به یک راه حل مناسب برسند.

می‌دانید که پس از هر انقلاب قوانین ویژه‌ای وضع می‌شود که غالباً در همان زمان صحیح است. اگر به تاریخ انقلاب فرانسه هم بنگرید با شورش‌ها و طغیان‌های ناشی از ژاکوبیسم (۴) مواجه می‌شوید که به دنبال آن ناپلئون سرکار آمد.

ناپلئون ناچار به صورت فزاینده اقدام کرد و خواستار وضع قوانینی شد که همه را ملزم به اطاعت می‌کرد. یعنی همه مجبور به فرمانبرداری از یک فرد معین شدند. سرانجام ناپلئون مرد، راه حل ارائه شده او نیز راه حل خوبی نبود و نتیجه مثبتی در پی نداشت. پس از مرگ او یک نظام دموکراسی متعادل برقرار شد.

**بهبتر است به بحث اصلی خود یعنی گفت و گوی ادیان بازگردیم. از نظر شما ایران به عنوان یک کشور شیعه، در پیشبرد این هدف و گفت و گوی میان ادیان چه نقشی دارد؟**

شیعه همیشه به داشتن متفکران بسیار زیاد مشهور بوده است. مثلاً شما در ایران زمانی که در کشورهای عربی و حتی در اسپانیا متفکران بزرگ یا مردند یا مانند ابن رشد عملاً تبعید شدند، فیلسوفانی داشتید. پس از مرگ ابن رشد حیات فلسفه در غرب و در مرکز اسلام، بغداد، به پایان رسید، اما در کشور شما چنین اتفاقی نیفتاد و در قرن ۱۷ و ۱۸ فیلسوفان بزرگی در ایران وجود داشتند. تشیع از لحاظ معنوی و عقلائی دید بازرتری داشت- که به نظر من زمان آن است که این دید باز فعال‌تر شود- اهل سنت نیز از امتیازات خاص خود برخوردارند. مثلاً می‌دانید که شمار اهل سنت بیش از شیعیان است، همچنین آنان بر چهار خلیفه توافق دارند و غیره. ولی به نظر من شیعه یک نهضت مخالف با انگیزه و مفید در درون اسلام است که با موارد خاصی مخالفت می‌ورزد و البته چنین نهضت و مخالفتی باید به شیوه‌های کاملاً سازنده صورت گیرد.

**در پایان اگر نکته‌ای باقی است، یا توصیه‌ای در قبال کار ما یعنی گفت و گوی ادیان دارید، یا هر مطلب دیگری، خوشحال می‌شویم بشنویم. پیشنهاد می‌کنم که کتابم راجع به اسلام را به‌عنوان پایه‌ای برای بحث در نظر داشته باشید. در این کتاب شما با کسی روبه‌رو هستید که از بیرون به اسلام نگاه می‌کند و در عین حال**